



نارسایی ارتباطی بین تهران-باکو و شیپنت طرف‌های ثالث

تنش بوجود آمده بین ایران و جمهوری آذربایجان را باید ناشی از نارسایی ارتباطی بین دو کشور و نیز شیپنت برخی طرف‌های ثالث برشمرد.

به گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری تسنیم، سایت تحلیلی یونایتد ورلد در تحلیلی در رابطه با تنش سیاسی به وجود آمده میان ایران و جمهوری آذربایجان، ریشه این تنش را در سوء استفاده کشورهای ثالث از یک نارسایی ارتباطی میان تهران و باکو دانست.

در تحلیلی با عنوان «عوامل و راه برون رفت از تنش اخیر ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته شده است: روابط ایران و جمهوری آذربایجان دچار یک نارسایی ارتباطی بین تهران و باکو است. دو طرف نسبت به نیت‌های طرف مقابل در کشور خود بسیار مشکوکند. در حالی که باکو از امکان نفوذ ایران در میان اکثریت شیعیان این کشور و فشار به دولت خود نگران است، تهران نیز از نفوذ باکو در میان جمعیت چند ده میلیونی آذربایجانی‌های ایران نگران است و معتقد است که باکو تلاش می‌کند با نفوذ در میان این جمعیت بزرگ، تهران را تحت فشار قرار دهد.

نکته قابل توجه ماجرا این است که هر دو طرف به شدت منکر چنین نیتی در کشور مقابل خود هستند، اما میزان جوسازی رسانه‌ای به حدی است که در هر دو پایتخت بدون در نظر گرفتن این مساله، امکان سیاست ورزی در مورد کشور مقابل وجود ندارد.

با در نظر داشتن وضعیت بی‌اعتمادی متقابل، فضا برای تاثیرگذاری طرف‌های ثالث بسیار مساعد شده است. چه در ایران و چه در آذربایجان طرف‌های مختلفی وجود دارند که تمایلی به افزایش سطح روابط دو طرف ندارند.

این طرف‌ها با استفاده از فضای بی‌اعتمادی متقابل میان باکو و تهران، دست به فتنه‌انگیزی و تشدید مشکلات می‌زنند. نمونه قابل توجه این مساله تلاش همیشگی ارمنستان برای بدبین کردن تهران به باکو و تلاش همیشگی تل‌آویو برای نمایش چهره‌ای شیطان‌ی از تهران در باکو است.

نکته قابل توجهی این است که این بی‌اعتمادسازی کشورهای قفقاز علیه ایران صرفاً در مورد آذربایجان نیست و در هفته‌های اخیر شاهد آن هستیم که گرجستان نیز رفتاری نامتعارف در قبال ایران در پیش گرفته است. این وضعیت نشان دهنده آن است که برخی مراکز در پی تلاش برای اخراج ایران از قفقاز هستند.

در این تحلیل با اشاره به وجود جریان‌های ناسیونالیست دیگرستیز در هر دو کشور، جوسازی‌ها و تشنج‌آفرینی‌های این جریان‌ها را یکی از اصلی‌ترین علل وضعیت بغرنج اخیر دانسته است. یونایتدورلد در ادامه تحلیل خود با تاکید بر نقش تخریبی اسرائیل در روابط منطقه‌ای در خاورمیانه به نقش این رژیم در تنش اخیر بین ایران و آذربایجان اشاره کرده و آورده است: مهمترین عامل درگیری سیاسی اخیر بین تهران و باکو تحركات اسرائیل است. در حالی که از سوی اسرائیل – به ادعای طرف‌های ایرانی- به صورت غیرقانونی از خاک آذربایجان برای اقدامات جاسوسی علیه ایران استفاده می‌کند، سفیر اسرائیل در باکو در اقداماتی خلاف عرف دیپلماتیک با استفاده از فضای مجازی دست به فضا سازی و سیاه‌نمایی علیه ایران می‌زند.

جرج دیک (George Deek) سفیر اسرائیل در آذربایجان بارها از طریق کلیپ‌های تصویری و نیز توییت‌هایی که منتشر می‌کند با خروج از ماموریت‌های رسمی خود، دولت ایران را مورد حمله قرار داده است.

حجم حملات سفیر اسرائیل علیه ایران تا حدی است که تهران، باکو را در قبال این حجم سیاه‌نمایی این فرد اسرائیلی علیه خود مسئول می‌داند. اگرچه برخی اطلاعات غیررسمی از تذکر دولت آذربایجان به سفیر اسرائیل حکایت دارد، اما به نظر می‌رسد سفیر اسرائیل برهم زدن روابط تهران و باکو را به عنوان اصلی‌ترین ماموریت خود می‌داند و برای دستیابی به این مهم از هیچ حرکت غیردیپلماتیکی خودداری نخواهد کرد.

در تحلیل منتشر شده در سایت یونایتد ورلد، همکاری‌های منطقه‌ای و تلاش برای تفاهم، مهمترین عامل حل بحران اخیر عنوان شده و با تاکید بر این که "بی‌شک وضعیت موجود وضعیتی امیدوارکننده نیست و نتیجه‌ای جز ضربه به ثبات و آرامش منطقه نخواهد داشت. تداوم تنش موجود علاوه بر ضربه‌های سنگین به روابط دو جانبه تهران – باکو، مسائلی همچون اختلال در ترافیک ترانزیت در منطقه را نیز هم برای مسکو و هم برای آنکارا در پی خواهد داشت. چرا که ایران و آذربایجان دو حلقه اصلی و کلیدی مسیرهای شمال – جنوب و شرق- غرب در منطقه هستند و می‌توانند با استفاده از این برگ برنده خود ضمن فشار بر همدیگر، هزینه‌های سیاسی‌ای نیز به طرف‌های ثالث تحمیل کنند"، می‌نویسد: از این رو باید هرچه سریعتر تهران و باکو دیدارها و گفتگوهای جدی سیاسی خود را آغاز کرده، ابهامات متقابل خود را بدون واسطه و آشکارا به یکدیگر منتقل کنند. گفتگوهای مستقیم دو طرف بی‌شک باعث آرامش در فضای سیاسی شده و افکار عمومی را نیز از نگرانی در خصوص عواقب تنش اخیر درخواهد آورد.

مساله دیگری که هم در تهران و هم در باکو به شدت نیاز به آن احساس می‌شود، فشار دولتی و فشار افکار عمومی برای کنترل جریان‌های افراطی است که نقشی عمده در برهم زدن روابط دو طرف دارند.

از سوی دیگر در چنین شرایطی ترکیه و روسیه به عنوان دو کشور تاثیرگذار در مناسبات منطقه‌ای باید حضور فعال و تاثیرگذاری در تنش موجود از خود نشان دهند.

در هفته‌های آینده در حالی سالگرد پیشنهاد رجب طیب اردوغان، مبنی بر ایجاد پلتفرمی 6 جانبه از کشورهای منطقه برای پیگیری مسائل قفقاز جنوبی خواهد بود که در یک سال گذشته هیچ اقدام عملی‌ای از سوی هیچکدام از این کشورها برای ایجاد این پلتفرم جدید انجام نشد.

در صورت عدم ایجاد چنین مکانیسم‌های فعال منطقه‌ای که یک بازی برد – برد را برای همه کشورهای منطقه در پی خواهد داشت، طبیعی است که در طرف‌های خارج از منطقه از جمله اسرائیل، اتحادیه اروپا و آمریکا برای بحران زایی و مانع‌تراشی در برابر نظم نوین منطقه‌ای اقدام کنند.

با توجه به این که ارمنستان نیز از وضعیت بحران سیاست داخلی خود عبور کرده و در ایران نیز دولتی که همکاری‌های منطقه‌ای را اولویت اصلی سیاست خارجی خود می‌داند برسرکار آمده، به نظر می‌رسد زمان رفتار فعال کشورهای منطقه برای ارتباطات گسترده و عمیق مستقیم با یکدیگر فرارسیده است.